

به نام خدا

فصل هشتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی

ساراجعفری

زهرا موسوی

زینب واعظ زاده

خدیجه شلاگه



الف) دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح داخلی:

دستاوردهای داخلی را در دو محور سیاسی و فرهنگی بررسی میکنیم

1. دستاوردهای سیاسی

2. دستاوردهای فرهنگی

• دستاوردهای سیاسی

- 1. سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی
- حاکمیت طولانی مدت نظام شاهنشاهی بر ایران معیار هایی را بر این کشور حاکم ساخته بود که سعادت، عزت و سربلندی ملت در آن جایی نداشت. نظام شاهنشاهی همواره با زر و زور و تزویر و فساد، حق کشی و بی عدالتی بر کشور حکومت میکرد. از یک سو، رژیم پهلوی به پندار حاکمیت 2500 ساله نظام شاهنشاهی بر ایران، حیات و دوام خود را سنت محتوم تاریخی میدانست و از سوی دیگر، سرمایه گذاری های آمریکا و غرب در ایران، رژیم شاه را مقتدر و مسلح ساخته بود. با این حال انقلاب اسلامی در عینی ترین دستاورد خود این نظام را در هم کوبید و نهال طیبه « استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی » را در این کشور نشانید.

• نظام های سیاسی مانند « لیبرال دموکراسی » غرب، که راهکار کنار نهادن دین و ناکارآمد جلوه دادن آن را برگزید در دنیا رایج بوده و هست. در این رهگذر، با اثر پذیری اندیشمندان مسلمان از این نظریه رفته رفته اسلام به مجموعه ای از احکام فردی بی تأثیر و کم محتوی بدل شد که در این سرنوشت اجتماعی بشر هیچ نقشی نداشت. با انقلاب اسلامی ایران موضوع تقید به دین دگر بار تأیید گردید و در بسیاری از اصول و فصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت. این تقید و تبعیت از قوانین الهی نظام اسلامی را مقابل نظام های فاشیستی نشانده که در آنها حکومت بر اخلاق و مذهب حاکم است.

• یکی از دستاوردها در این زمینه که باعث تقابل نظام تازه تأسیس با هرگونه نظام استبدادی است مشارکت مردمی در حکومت است. امام خمینی (ره) در این زمینه میفرماید: « در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون [نیز فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا، بر همه افراد و دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد - از رسول اکرم(ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد - تا ابد تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است.»

• تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، خاکمان و سیاستمداران - همگام با نظام های غربی - نظریه جدایی دین از سیاست را تبلیغ میکردند، اما بعد از انقلاب اسلامی ایران دیانت و سیاست لازم و ملزوم یکدیگر قرار گرفت. به گفته شهید مدرس: « سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست.»

• 2. افزایش بینش و مشارکت سیاسی مردم

- دور نگه داشتن مردم از مسائل و واقعیت‌های جامعه، از سیاست‌های رژیم‌های نامشروع است تا حیات خود را تداوم بخشد، رژیم پهلوی هم در پی همین هدف میکوشید ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی آگاهی و بینش سیاسی مردم به عنوان اصلی مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سرلوحه برنامه ریزی‌های کشور قرار گرفت. بدین ترتیب مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمت نظام، با دیدگاه‌ها و آرمان‌های خویش به یاری حکومت اسلامی شتافتند.

• 3. استقلال و دگرگونی اصول سیاست خارجی

• ایران همواره در دوران معاصر زیر نفوذ قدرتهای استعماری و بیگانه بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و صف بندی بلوک غرب و شرق، آمریکا به صورت قدرت خارجی بی رقیب در عرصه سیاست و اقتصاد ایران در آمد، به گونه ای که سفیر آمریکا در ایران به مشاور شاه و دربار بدل گردید. امام (ره) درباره دولت شاهنشاهی فرمود: « یک مملکتی که استقلال ندارد و وابسته به غیر است و همه اش به عمل ایشان [= شاه] وابسته به غیر شده، به این نمیشود گفت یک مملکت متمدن.»

• پس از پیروزی انقلاب آرمان استقلال طلبی مردم در کلام امام (ره) و متن قانون اساسی نمودار شد.

• « سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز با دول غیر محارب استوار است.» قانون اساسی، اصل 152

- دستاوردهای فرهنگی

1. نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاج فرهنگی

رژیم پهلوی برنامه های آینده خود را بر پایه نگره غربی بنا نهاده بود. الگوی استعمار و استبداد بر « استحاله فرهنگی » ایران پایه ریزی شده بود و برای تحقق این هدف شوم، عرصه های گوناگون اجتماع مانند هنر و ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون و... تحت سیطره ارزش های غربی درآمد. بدین سان، افکار عمومی به ویژه نوجوانان و جوانان در معرض تفرقه و ترویج ابتذال و اباحی گری قرار گرفت تا از این طریق هویت اسلامی – ملی به فراموشی سپرده شود و فرهنگ غرب نیز به تمامی پذیرفته گردد.

انقلاب اسلامی که نخست یک انقلاب فرهنگی بود، با تعمیم خودباوری فرهنگی و گسترش شعائر دینی، زمینه را برای تقویت پایه های ایمانی مردم و پرورش نسل های خودباور فراهم نمود و با عمومی کردن آموزش در سطح جامعه و افزایش سطح علمی دانش آموختگان، به رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار مردم – به ویژه جوانان – کمک کرد. افزون بر این، انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون خویش، او را به بازیابی جایگاه و نقش واقعی زنان ایرانی در خانواده و جامعه فراخواند.

• 2. عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه

- پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آنکه در تبلیغ رشد فرهنگی کشور و مبارزه با بی سوادی هیاهوی زیادی میشد، بسیاری از مردم ایران بی سواد بودند. در نظام جمهوری اسلامی نهضت مدرسه سازی رشد تنابنده ای یافت. نهضت سوادآموزی در باسواد کردن میلیونها نفر که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند، موفقیت چشمگیری داشته است. در راستای همین رشد فرهنگی، قدرت ابتکار و خلاقیت مردم به ثمر نشست؛ به گونه ای که جهان هر ساله شاهد پیروزی های نخبگان ایرانی در رشته های مختلف در سطوح جهانی است.

• 3. ارتقای جایگاه زن در اجتماع

- بر اساس خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش های غربی در عصر پهلوی، هویت اسلامی زن مسلمان ایرانی مورد تهدید قرار گرفت. از سویی در جامعه به تدریج فرهنگ برهنگی و بی عفتی رواج می یافت و از فعالیت های اجتماعی و سودمند زنان نیز کاسته میشد. بعد از انقلاب جایگاه زن در جامعه اسلامی تعیین شد و همانگونه که زنان در جریان انقلاب فعالیت داشتند، پس از انقلاب نیز به جایگاه واقعی خود دست یافتند و توانستند در صحنه های مختلف جامعه حضور یابند.

• 4. ایجاد روحیه خودباوری

- پس از انقلاب، خودباوری و خوداتکایی به گونه ای آشکار در بین آحاد جامعه ایجاد شد؛ مقوله ای که بی شک مهمترین دستاورد اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در سطح داخلی بشمار میرود. اوج این خودباوری و شکوفایی شخصیتی در سالهای جنگ تحمیلی دیده میشود. بی تردید ایثار، فداکاری، صداقت و اخلاص مردم و نهادهای مردمی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره زبانزد جهانیان بوده و هست.
- تأمین حقوق افراد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه عموم، تساوی همگان در برابر قانون، توسعه و تحکیم برادری اسلامی، تعاون عمومی بین مردم و نیز تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی براساس موازین اسلامی، از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در این زمینه است.

• (ب) دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح بین الملل

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلاب اجتماعی، افزون بر تحولات داخلی، پیامدهای بسیاری در نظام بین الملل داشت که از جنبه های مختلف در خور بررسی است.

1. دستاوردهای فرهنگی

2. دستاوردهای سیاسی

• دستاوردهای فرهنگی

•

• 1. ترویج فرهنگ مردم سالاری دینی

- انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین سیاست را آشکار سازد و نوعی نظام سیاسی را رقم زند. این نظام، هم بر ویژگی های معنوی و سیاسی حاکم استوار بود و هم بر پیوند میان ارزش های اسلامی با ساختار یا روش مردم سالاری تکیه داشت. چنین شیوه حکومتی، هم بر شیوه جمهوری بودن حکومت و نقش مردم در تصمیم گیری های حکومتی تأکید میکرد و هم الگوی اسلام گرایی و ارزش های پایدار اسلامی (عدالت گرایی، خدا محوری و معنویت گرایی) را اساس نظام سیاسی میدانست.
- چنین نظام سیاسی، همزمان به نفی اسلام متحجر و قشری گرا و از سویی به نفی سکولاریسم و لائیسیته پرداخت و توانست نظامی را به ارمغان آورد که مشروعیت آن بر پایه حاکمیت خدا و حقانیت ارزش های دینی است و مقبولیت آن نیز بر اساس اراده مردمی.

• 2. ترویج فرهنگ استقلال خواهی و استکبار ستیزی

- یکی از ویژگی های مهم انقلاب اسلامی، حفظ استقلال و نفی کامل سلطه بیگانگان بر سرنوشت ملت ایران است. انقلاب اسلامی با ماهیت مستقل و ضداستبدادی، فارغ از سلطه قدرتهای استکباری موجب برهم زدن تعادل بلوک های قدرت جهانی و به چالش کشیدن نظم بین المللی گردید. این انقلاب با شعار نفی سلطه شرق و غرب خواستار آزادی ملت ایران از نفوذ و دخالت قدرتهای خارجی شد. بی تردید در انقلاب اسلامی توکل به خداوند، منشأ استقلال به شمار میرود.
- انقلاب اسلامی همزمان به مبارزه در دو جبهه استبدادستیزی و استعمارستیزی و نفی وابستگی پرداخت و همین امر موجب شد که فرهنگ استقلال خواهی و آزادی خواهی در سطوح مختلف مردم، دولتها و جنبش های آزادی بخش راه یابد؛ چرا که اساساً الگوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با دو الگوی رایج لیبرالیستی و سوسیالیستی مقابله میکرد و مبانی سکولاریستی، اومانیستی و ماتریالیستی را به چالش میکشید.

• 3. فرهنگ سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام

- انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه گرایی مذهبی، در صدد برآمد تا میان ملت‌های مسلمان وحدت ایجاد کند و از سویی پروژه امت سازی را عملی نماید. این نگره، بر مبارزه ای منفی علیه دشمن مشترک و مبارزه با استکبار نیز تکیه داشت. در این راستا، احیای امت اسلامی برپایه قرآن و حدیث، موجب توجه به همگرایی جهان اسلام شد و از سویی نیز سبب افزایش نقش دین گردید که بی شک اصلی اساسی در مدیریت تحولات جهانی به شمار می‌رود.

• 4. احیای نقش جنبش آزادی بخش

- انقلاب اسلامی با افزایش خودآگاهی مستضعفان و محرومان و احیای خودباوری، اعتماد به نفس و بیداری اسلامی در میان ملت‌های مسلمان توانست بر اهمیت جنبش‌های آزادی بخش – اعم از اسلام‌گرایی و استعمارستیز – تأکید ورزد.
- با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نهضت بیداری اسلامی جان تازه‌ای گرفت. به واقع در پی الگوبرداری مسلمانان از این انقلاب و با اعتماد به نفسی که روزگاری پیامدهای گوناگونی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد.
- علاقه جنبش‌گران مسلمان به ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای الگوبرداری از انقلاب ایران، به شکل‌های مختلف بروز یافته است: برخی گروه‌های اسلامی در جهان تسنن و تشیع، از مخالفت با دولت‌های نامشروع هراسی ندارند و به روایات جعلی نیز که اطاعت از حاکم ناعادل اسلامی را در هر شرایط لازم دانسته، چندان وقعی نمی‌نهند، بلکه تنها خواهان استقرار حکومت اسلامی در کشورمان هستند. برخی از این گروه‌ها در اساس نامه و یا در اعلامیه‌های خود این موضوع را مطرح کرده‌اند.

دستاوردهای سیاسی

1. تأثیر بر شکل‌گیری برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی

برخی گروه‌های اسلامی – سیاسی، موجودیت خود را مرهون انقلاب اسلامی میدانند. این گروه‌ها خود بر دو دسته‌اند: برخی از یک جنبش اسلامی غیر فعال منشعب شده‌اند؛ مانند امل اسلامی که از امل، و جنبش جهاد اسلامی که از اخوان المسلمین فلسطین زاییده شد. در واقع بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه پدید آمد. اما دسته‌ای دیگر وابسته به جنبش و گروهی خاص نیستند، بلکه پدیده‌ای جدیدند؛ مانند نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان. اگرچه دسته‌های اخیر بیش از دسته نخست، مدافع انقلاب اسلامی است، همه این گروه‌ها در پیروی از رهبری انقلاب اسلامی و الگو قرار دادن آن اشتراک نظر دارند.

از گروه‌های سیاسی مهم، میتوان به حزب الله اشاره کرد که بیش از هر گروه اسلامی – سیاسی دیگر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. حزب الله لبنان در بُعد سیاسی سخت از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته و برخلاف جنبش امل، رهبری انقلاب اسلامی ایران را در دو بُعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است.

• 2. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر راهبرد قدرت های بزرگ

- انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که در منطقه خاورمیانه قرار داشت و می بایست در مقابل حرکت های ضد غربی در منطقه واکنش نشان میداد، اما خود به کشوری ضد غربی بدل شد. از سویی ایران پس از انقلاب، از پیمان سنتو که در راستای اهداف غرب بود، خارج شد. بنابراین با وقوع چنین تحولی در ایران و ایجاد خلأ قدرت در منطقه، راهبردهای منطقه ای ابرقدرتهای جهان نیز تغییر یافت. آنچه در تغییر استراتژی های دو ابرقدرت تأثیر بسزایی داشت، وقوع انقلاب اسلامی در منطقه ای بود که اغلب کشورهای آن از بافت جمعیتی و دیدگاه های فرهنگی و دینی، به ایران نزدیک بودند؛ نکته ای که غرب و شرق را از وقوع تحولات مشابه انقلاب ایران، سخت به هراس افکند.
- بنابراین تأثیر رویداد انقلاب اسلامی بر جنبش های اسلامی و همچنین طرح نظریه های جدید درباره حکومت و سیاست، هر دو ابرقدرت را بر آن داشت تا برای حفظ منافع خود در خاورمیانه به مهار انقلاب ایران بپردازند و از هرسو آن را محدود کنند. مهمترین اقدامات، تحریک صدام – دیکتاتور سابق عراق – برای حمله به ایران و سپس کمک های عادی و نظامی فراوان به او بود.

پایان •